

تعدیل ساختار اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بخش کشاورزی

ژاله شادی‌طلب

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در دو دهه بعد از جنگ جهانی دوم، صاحبان نظریه‌های اقتصادی بر این باور بودند که کشورهای کم توسعه یافته در یک چرخه فقر گرفتار آمده‌اند، به طوری که درآمد کم موجب پس‌انداز کم، به دنبال آن سرمایه‌گذاری ناچیز و نهایتاً درآمد کم شده است. بهترین راه‌هایی از این چرخه فقر و گسستن حلقه‌های این زنجیره را استفاده از سیستم اعتباری حمایت شده یافتند. در نتیجه اعتبارات هنگفتی از طریق بانکهای مرکزی با نرخهای ارزان به بانکهای کشاورزی و تعاونیهای اعتباری سپرده شد و مقررات جدیدی برای پرداخت هر چه بیشتر وام به کشاورزان وضع گردید.

سیاست توزیع اعتبارات ارزاقیمت در جامعه روستایی در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت. این سیاست در اصل با هدف کلی از بین بردن فقر در جامعه روستایی مطرح شد و در زیر چتر این هدف کلی، اهداف متنوعی را دنبال کرد:

- افزایش تولید محصولات کشاورزی
- بیرون راندن منابع غیررسمی از بازار اعتبار روستایی
- کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد سرانه

– کاهش نابرابریها و تعدیل درآمدها

– انتقال تکنولوژی

...و

گاهی نیز سیاستهای اعتبار کشاورزی نه با هدف کاهش فقر، بلکه برای حفظ وضع موجود و جبران پیامدهای نامطلوب سیاستهای اجرا شده در سایر بخشهای اقتصادی، طراحی شد، مانند کاهش اثرات:

– تغییرات نرخ تسعیر

– کنترل قیمتها در بخش کشاورزی

– افزایش قیمت نهادهها

– انواع مالیاتها

– کاهش سرمایه گذاری دولت در روستاها

– دلایل سیاسی

– عدم ثبات در تولید محصولات

– وقوع فاجعه های طبیعی

در دهه ۱۹۷۰، مطالعات متعددی در کشورهای کم توسعه یافته برای بررسی فواید برنامه های عظیم اعتباری انجام شد. نتیجه این تحقیقات نشان داد که اعتبارات روستایی ارزشی ارزیابی که به عنوان پاسخی به بهره‌وری کم و فقر در بخش کشاورزی و جامعه روستایی دیده می‌شد، به اهداف خود دست نیافته است.

شناخت مهمترین دلایل عدم تحقق اهداف سیاستهای اعتبار کشاورزی در کشورهای کم توسعه یافته از جمله ایران و نتیجه اقداماتی که در دهه هشتاد، در آن دسته از کشورهایی که دوران اعتبارات ارزشی در آنها زودتر از کشور ما به سر آمده، هدف این مقاله است. آگاهی از دلایل شکست سیاستهای اعتباری، ما را به ضرورت تغییر این سیاستها و نوع تحولات مورد نیاز نزدیکتر می‌کند.

در بخش اول مقاله شواهد موجود بر شکست سیاستهای اعتباری ارائه می‌شود. بخش دوم و سوم مقاله به طرح سیستم اعتبار روستایی در ایران و یافته‌های تحقیق می‌پردازد و نهایتاً در بخش چهارم درسهای آموخته شده آورده خواهد شد.

بخش اول - شکست سیاستهای اعتباری: شواهد موجود

جستجو برای دلایل عدم توفیق سیاستهای اعتباری در کاهش فقر و توسعه روستایی، ما را متوجه ویژگیهای بازار اعتبار روستایی در تخصیص اعتبارات و عملیات اعتباری می‌کند که در مورد مهمترین آنها توضیح بیشتری داده می‌شود:

(۱) تخصیص اعتبارات

در تمامی برنامه‌های توسعه و سیاستهای اعتباری در ارائه منابع مالی با سقف بهره پایین^۱، تاکید بسیاری بر تامین وام برای کشاورزان کوچک و غالباً کم درآمد و فقیر که قادر به رقابت با کشاورزان بزرگ نیستند، شده است.

شواهد موجود نشان می‌دهد که اغلب برنامه‌ها در این زمینه شکست خورده‌اند و سهم بسیار از کشاورزان کوچک از منافع این گونه اعتبارات برخوردار شده‌اند. مطالعات موجود در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گویای آن است که برنامه‌های اعتباری به جای کاهش نابرابریها و تعدیل درآمدها، با تامین اعتبارات بیشتر برای يك گروه خاص بر این نابرابریها دامن زده‌اند (Avishay et al 1986: 1254). در واقع سیاستهای اعتباری معیارهای متناسب با اهداف برنامه را در نظر نگرفته و بدین ترتیب دریافت وام علت تولید بهتر نبوده، بلکه معلول تولید بهتر بوده است. یعنی وامگیرنده زمین بزرگتری داشته، تولید بیشتری داشته و در نتیجه وام بزرگتری نیز دریافت کرده است (Meyer 1990: 1158).

نتیجه تحقیقات متعدد در کشورهای کم توسعه یافته (هند، پاکستان، بنگلادش، تایلند و...) نشان می‌دهد که اغنیا به خاطر اندازه واحد بهره‌برداری. همچنین قدرت و منزلت اجتماعی، دسترس سهل‌تر و برخورداری بیشتری از منابع اعتباری رسمی داشته‌اند و بهره‌برداری کنندگان اصلی وامهای ارزاقیمت، گروه مورد هدف، (یعنی کشاورزان کوچک و فقیر) نبوده‌اند.

(Alcem 1990:333,Ziau 1989:357,Ammar 1990:279,Madhara 1991:195,Sahil 1984:710)

اطلاعات موجود در مورد اغلب کشورهای آسیایی نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ بهره موسسات اعتباری در وامهای کشاورزی کمتر از نرخ تورم است و به عبارت دیگر نرخ واقعی بهره غالباً منفی است. این وضعیت در شرایط کشورهایی که نرخ بهره را طی سالیان دراز ثابت نگاه می‌دارند، بارزتر است. در واقع دستیابی به اعتبارات ارزاقیمت در شرایط تورمی، وام‌گیرندگان را از دو جهت متفع می‌سازد: انتقال

سرمایه و همچنین نرخ بهره کم. به همین دلیل واحدهای بزرگ بهره‌برداری انگیزه بیشتری برای دریافت وام از منابع رسمی دارند و در نتیجه از اعتبارات ارزانقیمت نیز سهم بیشتری می‌برند (Gadjil 1986: 303) به‌طور خلاصه در اعتبارات ارزانقیمت، میزان حمایت بیشتر از آن چیزی است که به‌ظاهر نشان داده می‌شود و کسانی که وام‌های بزرگتری دریافت می‌دارند از این حمایت بیشتر برخوردار می‌شوند. بنابراین انتظار کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی با چنین تخصیص اعتباراتی، بخصوص در شرایطی که نرخ بهره اعتبارات رسمی با نرخ بهره در بازارهای مالی یکسان نیست، انتظار بی‌موردی است.

جدول شماره ۱:

نرخ بهره سالانه وام‌های کشاورزی از منابع رسمی دولتی و نرخ تورم

(واحد: درصد)

کشور	دولت‌ویانکهای دولتی (۱)		نرخ تورم در سال ۱۹۸۰ (۲)
	کوتاه‌مدت	متوسط	
اندونزی	۱۲/۰	۱۰/۵-۱۲/۰	۱۸/۰
کره جنوبی	۱۵/۰	۱۸/۰	۱۳/۷
پاکستان	۰-۱۱/۰	۱۰/۰	۱۲/۶
فیلیپین	۱۲/۰	-۱۸/۰	۱۷/۶
تایلند	۸/۰ - ۱۳/۰	۱۳/۰	۹/۹

ماخذ: برگرفته از APO - ۱۹۸۴.
 (۱) اعداد حداقل و حداکثر نرخ بهره را نشان می‌دهند.
 (۲) نرخ افزایش سالانه شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده در سال ۱۹۸۰

(۲) عملیات اعتباری

وضعیت تخصیص‌های نامناسب تحت تاثیر عملیات اعتباری پیچیده‌تر می‌شود. موسسات اعتباری در مناطق روستایی در موقعیت اقتصادی پر قدرتی قرار دارند و می‌توانند به صورت انحصاری در رابطه با تعداد زیادی از وامگیرندگان (بخصوص کشاورزان کوچک) اعمال قدرت کنند. این اعمال قدرت با مکانیسم‌های مختلفی می‌تواند به منصف ظهور برسد، مانند: نرخ بهره، میزان وام، نوع قرارداد، وثیقه یا ضامن و...

در برخی از مواقع عملیات اعتباری برای جبران نتایج نامطلوب سیاستهای دیگری است که در سایر بخشهای اقتصادی اتخاذ و اجرا شده است. غالباً در چنین مواقعی عملیات اعتباری فارغ از هدف اصلی برنامه توسعه و فقط در تلاش حفظ وضع موجود انجام می‌گیرد. از جمله این موارد به پرداخت اعتبارات ارزاقیمت برای تامین نهادهای کشاورزی، در ازای تغییر نرخ تسعیر و کاهش ارزش پول ملی و یا پرداخت سوسید به شکل اعتبارات ارزاقیمت در ازای کنترل قیمتها در بخش کشاورزی برای پایین نگه‌داشتن قیمت مواد غذایی و جلوگیری از افزایش هزینه‌های زندگی در جامعه شهری می‌توان اشاره کرد.

عامل دیگری که بر عملیات اعتباری به شدت تاثیر می‌گذارد، نگرش سیاسی به سیستم اعتباری است. اعتبارات تخصیص داده شده در چنین حالتی، به‌جای اینکه بر اساس نیاز و یا کارآییها پرداخت شود، بر اساس منافع سیاسی و یا پاداشی برای محبتها توزیع می‌شود. (Landman et al. 1981: 66 - 72, Robert 1979: 163 -189) گاهی اوقات سیاستمداران برای انتخابات اعلام می‌کنند که بدهکاریهای گذشته بخشوده خواهد شد (Harris, 1983)، یا حتی برای خاموش کردن آوای مخالفان و یا حفظ طرفداران مقدار زیادی وام به توصیه دولت به افراد خاصی پرداخت می‌شود.

بخش دوم - سیستم اعتبار روستایی در ایران

بانک کشاورزی، که روزگاری به نام «بانک فلاحتی و صنعتی» تاسیس شد از ادغام دو موسسه اعتباری تعاون و توسعه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بخش کشاورزی به‌وجود آمده است. این نهاد در آندهم کشورها کم توسعه یافته به منظور حمایت از بخش کشاورزی ایجاد شد و هدفهای چندگانه را دنبال کرده است:

«رکود تولید به‌علت کمی سرمایه، نقص در گردش پول در بخش روستایی، استثمار شدن کشاورزان به‌وسیله سرمایه‌داران و رباخواران و بسیاری مشکلات دیگر از دیرباز موجد آن بود که دولت می‌بایست در زمینه اعتبارات کشاورزی پیشقدم شده و به‌طور موثر در رفع احتیاجات مالی بخش کشاورزی سهم باشد

(فطوره‌چی ۱۳۵۹: ۱).

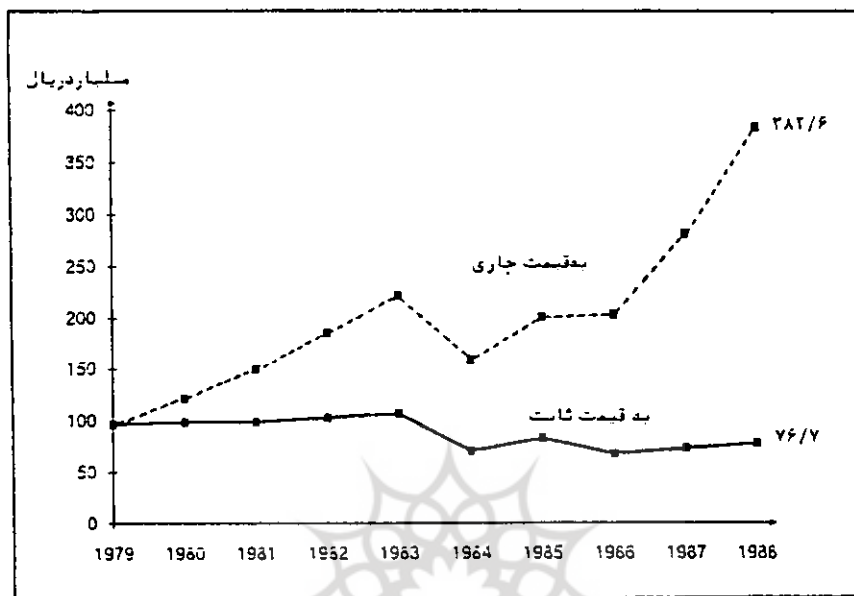
بنابراین مقرر شده است که با ورود حلقه اعتبارات به زنجیره فقر و تامین سرمایه لازم برای افزایش تولید، افزایش درآمدی در بخش کشاورزی ایجاد شود که ضمن بیرون راندن رباخواران از بازار اعتبار روستایی بتواند گردش پول را در جامعه روستایی تنظیم و موجبات رهایی از چرخه فقر را در نهایت فراهم آورد.

روند حجم اعتبارات توزیع شده توسط این نهاد اصلی سیستم اعتبار روستایی ایران، افت و خیزهای

بسیاری را از سر گذرانده است.

شکل شماره ۱: مقایسه اعتبارات تامین شده توسط سیستم اعتبار کشاورزی به قیمت‌های جاری و ثابت

(سال ۱۹۷۹)



همزمان با توزیع اعتبارات نرخ تورم با رقم ۱۹/۱ درصد در سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۹ عددی دورقمی باقی مانده و در برخی از سالها تا نزدیک به ۲۹ درصد توسط منابع رسمی کشور گزارش شده است. به نظر کارشناسان بانک مرکزی با شروع اصلاحات اقتصادی در سال ۱۳۶۹ نرخ تورم به رقم ۹ درصد رسیده ولی ادامه این اصلاحات در سال ۷۰ با گسترش فعالیتهای همزمان با محدودیت در ظرفیتهای اجرایی کشور و همراه با آثار ناشی از آزادسازی قیمت‌ها مجدداً منجر به افزایش نرخ تورم به ۱۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۰ شد (بانک مرکزی ۱۳۷۰: ۱۹).

در سال ۱۳۶۹ در نرخ سود تسهیلات اعطایی بانکها که از آغاز اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا تغییر نکرده بود، در جهت انطباق با شرایط جدید اقتصادی تجدید نظر به عمل آمد و متوسط سطح نرخهای سود مورد انتظار تسهیلات بانکی در همه بخشهای اقتصادی از جمله بخش کشاورزی افزایش یافت. گرچه به نظر می‌رسد:

«در عمل افزایش نرخ سود تسهیلات اعطایی تاثیر عمده‌ای در جهت محدود کردن تقاضا برای تسهیلات نداشت... عدم کارآیی نرخهای جدید در تنظیم تقاضا برای تسهیلات نشان‌دهنده آن است که این نرخها علی‌رغم افزایشی که در آن داده شده است هنوز پایین‌تر از نرخهای تعادلی بوده...» (بانک مرکزی

بدین ترتیب سیستم بانکی نسبت به تغییر سیاستها، افزایش نرخ بهره، فعالتر کردن بانکهای تجاری در بخش کشاورزی در سالهای نخستین اجرای برنامه اول توسعه نسبت به سالهای قبل، اقدام کرده است که پیامدهای آن در جامعه روستایی و دستیابی به هدفهای مورد نظر، موضوع درخور مطالعه‌ای خواهد بود.

جدول شماره: ۲

نرخ بهره سالانه وامهای کشاورزی از منابع رسمی و دولتی (بانک کشاورزی) و نرخ تورم

سال	نرخ تورم (%)	نرخ سود تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی %
۱۳۶۱	۱۹/۱	۴
۱۳۶۲	۱۴/۷	۴
۱۳۶۳	۱۰/۲	۴ - ۸
۱۳۶۴	۶/۵	۴ - ۸
۱۳۶۵	۲۳/۶	۴ - ۸
۱۳۶۶	۲۷/۸	۴ - ۸
۱۳۶۷	۲۸/۹	۴ - ۸
۱۳۶۸	۱۷/۴	۴ - ۸
۱۳۶۹	۹/۰	۶ - ۹
۱۳۷۰	۱۹/۶	۶ - ۱۳

ماخذ: گزارشهای اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۰

بخش سوم - یافته‌های تحقیق

تحقیقی در مورد سیستم اعتبار روستایی در ایران: استان فارس (پاییز سال ۱۳۷۰) صورت گرفت که

این مقاله براساس بخشی از یافته‌های تحقیق مزبور تنظیم شده است. در گردآوری اطلاعات از دو تکنیک پرسشنامه (با سوالات باز و بسته) و گفتگوی آزاد با روستاییان استفاده شده است. در گزارش یافته‌های تحقیق، ترتیب مطالب ارائه شده در بخش اول مقاله رعایت خواهد شد.

۱) تخصیص اعتبارات

فرض بر این است که سیاستهای برنامه اعتباری براساس هدفهای برنامه توسعه طراحی و تنظیم می‌شود و رعایت اولویتها، موجب می‌شود که در تخصیص اعتبارات گروههای اجتماعی به میزان متفاوتی از اعتبارات تامین شده برخوردار شوند.

فشرده‌ای از یافته‌های تحقیق در مورد چگونگی تخصیص اعتبارات به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره: ۳

تخصیص اعتبارات و توزیع اراضی زیر کشت در جامعه مورد بررسی

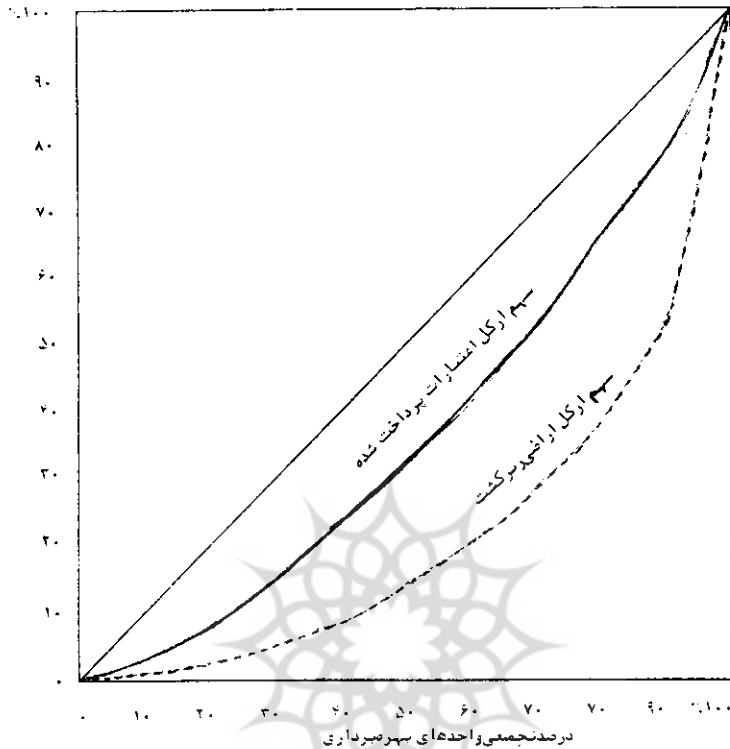
اندازه واحد	% نمونه‌ها	% از کل اراضی زیر کشت	% از کل اعتبارات پرداخت شده به زارعین
خیلی فقیر	کمتر از ۲ هکتار	۱۳/۲۵	۱/۵۹
فقیر	۲ تا کمتر از ۵ هکتار	۳۱/۷۹	۱۱/۷۱
متوسط	۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار	۴۵/۷۰	۴۷/۵۹
اغنيا	۲۰ هکتار و بیشتر	۹/۲۷	۳۹/۱۱

در کل زارعان جامعه مورد بررسی، بیش از ۱۳ درصد، سطح زیر کشتی کمتر از ۲ هکتار داشته‌اند. از مجموع اراضی زیر کشت فقط ۱/۵۹ درصد و از کل وامهای پرداخت شده فقط ۵ درصد به این گروه تعلق گرفته است. در صورت ادغام دو گروه اول، نزدیک به ۵۰ درصد زارعان فقط ۱۴ درصد از اراضی و نیمی دیگر ۸۶ درصد از اراضی زیر کشت را به‌خود اختصاص داده‌اند.

توزیع نابرابر یکی از منابع اساسی تولید (زمین) را می‌توان سرچشمه نابرابری در توزیع وامهای پرداخت شده دانست. گرچه بانک کشاورزی در پرداخت اعتبارات توانسته توزیع بهتری را اعمال کند. به‌طوری که حدود نیمی از جامعه مورد بررسی ۳۰ درصد از اعتبارات را دریافت داشته‌اند.

شکل شماره ۲:

توزیع اعتبارات و اراضی زیر کشت در جامعه مورد بررسی



نکته اساسی در این گونه تخصیص اعتبارات این است که صاحبان اراضی بزرگتر، از اعتبارات ارزان بیشتر برخوردار می‌شوند و این مسئله با هدف توزیع اعتبارات حمایت شده مغایرت دارد. از طرف دیگر اطلاعات موجود در مورد تفاوت نرخ بهره وام‌های بانک کشاورزی و نرخ تورم، گویای برخورداری چندجانبه دریافت کنندگان وام‌های بزرگتر است. زیرا گروه‌های اجتماعی فقیر (صاحبان اراضی زیر ۲ هکتار) که بیش از ۱۳ درصد اعضای جامعه را تشکیل می‌دادند فقط ۵ درصد از کل اعتبارات توزیع شده را به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه سرمایه بیشتری به سایر گروه‌ها انتقال یافته و آنها از حمایت‌های دولت بیشتر برخوردار شده‌اند.

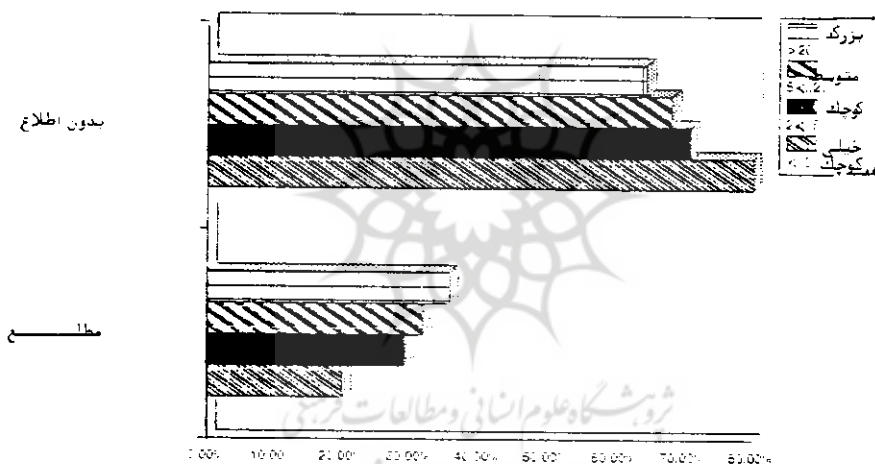
(۲) عملیات اعتباری

با توجه به اعمال نرخ بهره پایین در برنامه‌های اعتباری حمایت شده و پیشنهاد کاهش یا حذف آن در

سیاستهای تعدیل ساختار اقتصادی، آگاهی روستاییان نسبت به این موضوع می‌تواند روشنگر باشد. تعیین سقف بهره توسط دولت، یکی از مکانیسمهای اعمال قدرت را از بانک کشاورزی سلب کرده است، ولی میزان آگاهی دریافت کنندگان وام نسبت به نرخ بهره بسیار تعجب‌آور است: ۷۱ درصد از روستاییان از نرخ بهره وامهای بانک کشاورزی آگاه نبوده‌اند. گرچه میزان آگاهی در تمام گروههای اجتماعی بسیار کم است ولی تغییر سهم زارعان آگاه از نرخ بهره، با توجه به اندازه واحد زراعی نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد.

شکل شماره: ۳

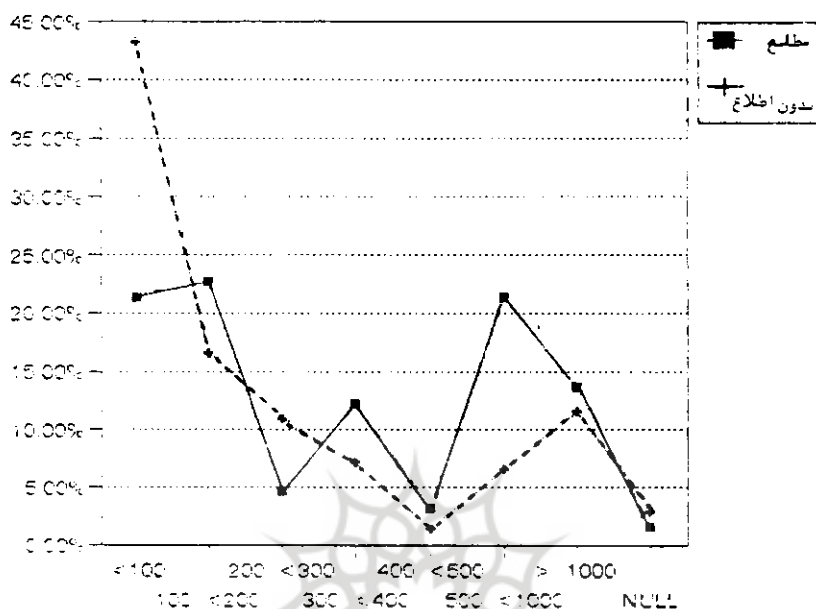
میزان آگاهی زارعان از نرخ بهره با توجه به اندازه واحد زراعی



علاوه بر این، بین متغیر آگاهی از نرخ بهره و میزان وام نیز ارتباط مستقیمی وجود داشت. به عبارت دیگر کسانی که وام بزرگتری گرفته بودند آگاهی بیشتری از نرخ بهره داشتند. اختلاف بین دو گروه مطلع و بدون اطلاع با بزرگتر شدن مبلغ وام کمتر می‌شود. به طوری که در وامهای خیلی بزرگ تقریباً نیمی از افراد از میزان بهره آگاه بوده‌اند، در حالی که این سهم در وامهای خیلی کوچک به کمتر از ۲۰٪ اعضای گروه کاهش یافته است.

شکل شماره ۴:

میزان آگاهی روستاییان از نرخ بهره به تفکیک میزان وام



از مهمترین سیاستهای جبرانی در سالهای بعد از انقلاب می‌توان به سیاستهای مهار تورم و پیامدهای آن در بخش کشاورزی اشاره کرد. کنترل قیمت محصولات استراتژیک مانند گندم، انحصار بازار خرید آن در دست دولت و سیاستهای قیمتگذاری حاکم بر محصولات اساسی بخش کشاورزی همگی موجب عقب‌ماندگی درآمد روستایی و انحراف منابع اقتصادی (کار و سرمایه) از بخشهای تولیدی به بخشهای خدماتی شده است.

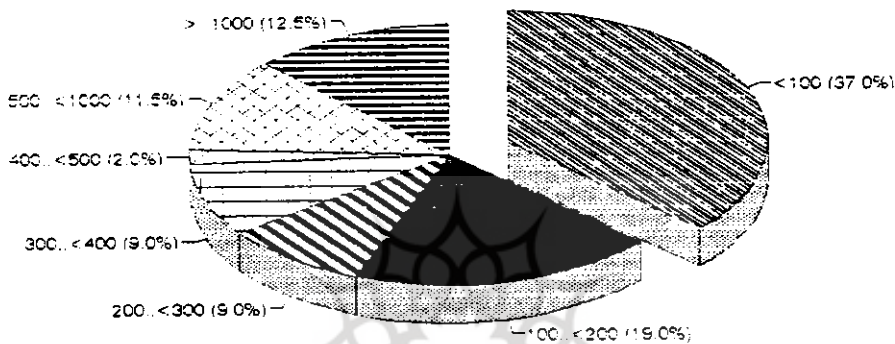
از گذشته‌های دور، دولت در شرایط خاصی برای حمایت ظاهری یا واقعی از کشاورزان و روستاییان اعتباراتی را توزیع کرده و گاهی اوقات حتی برای بازپرداخت آن نیز مراجعه نکرده است. خاموش کردن برخی از ناراضی‌ها با استفاده از سیستم اعتباری در کشور ما مرسوم بوده است. امروزه نیز در برخی از شرایط نگرشهای سیاسی - اجتماعی بر اعتبارات بانک سایه افکنده است. بررسی ما نشان می‌دهد که قبل از انقلاب بیشتر نگرشهای سیاسی و بعد از انقلاب اسلامی نگرشها بیشتر اجتماعی - سیاسی بوده است.

در این رابطه از اعتبارات توزیع شده به تفکیک میزان وام می‌توان کمک گرفت. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که ۳۷ درصد وامهای پرداخت شده کمتر از یکصد هزار تومان و ۶۵ درصد وامها رقمی کمتر از سیصد هزار تومان بوده است. در حالی که در گزارشهای سالانه بانک کشاورزی (سالهای ۶۸، ۶۹) در

طبقه‌بندی تسهیلات اعطایی از نظر مبلغ، ارقام پرداخت شده به این گروه اصولاً گزارش نشده است. آیا می‌توان نتیجه گرفت که وام‌های بسیار کوچک که جزو فعالیتهای سالانه بانک به حساب نیامده و بانک به پرداخت آنها نیز افتخار نمی‌کند، کماکان با یک نگرش اجتماعی - سیاسی توزیع شده است؟

شکل شماره: ۵

گروه‌بندی وام‌های پرداخت شده براساس میزان وام



بخش چهارم - درسهای آموخته شده در زمینه مطالعات فرسنگی

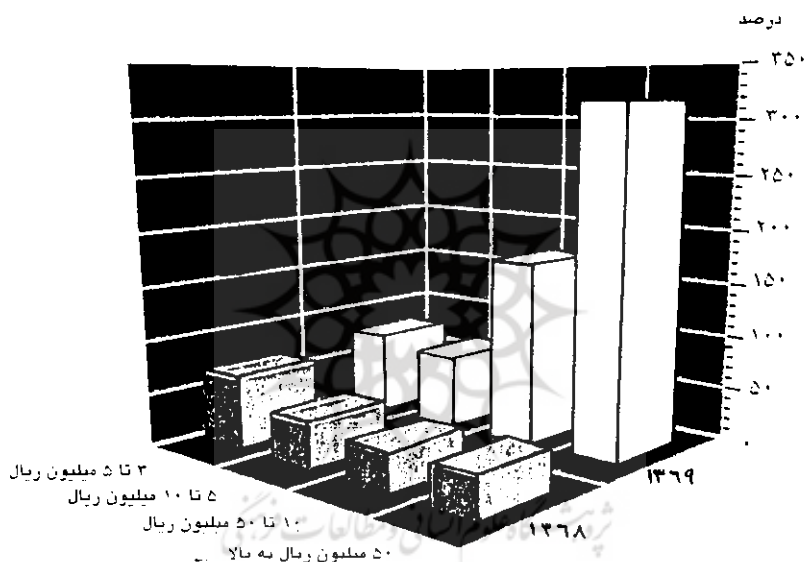
نتیجه حاصل از بررسی سیاستهای اعتباری گذشته این بوده که توزیع اعتبارات ارزاقیمت به هدفهای خود نرسیده است. این جمع‌بندی سبب شده که اقتصاددانان اغلب کشورهای کم‌توسعه یافته و کارشناسان بانک جهانی که مشوق برنامه‌های تعدیل ساختاری هستند، تاکید کنند که باید به سیاستهای دیگری برای تحقق توسعه روستایی و کاهش فقر روی آورد.

با توجه به آنچه گفته شد در اینکه تغییری در سیاستها ضروری است، تردیدی نیست. اما چه نوع تغییری؟ تجربه سایر کشورها در سیاستهای جدید و نوع تغییرات ایجاد شده چه شواهدی را ارائه می‌دهند؟ در سیاستهای اعتباری جدید، سیاستگذاران برنامه‌های اعتباری به وارد کردن متغیر اندازه واحد بهره‌برداری در جریان توزیع اعتبارات دست زدند. به طوری که در برخی از کشورها (مانند برزیل) بانکها

موظف شدند ابتدا ۱۰ درصد و بعدها ۲۵ تا ۲۵ درصد از اعتبارات خود را به کشاورزان کوچک (با تعریف رسمی از این گروه توسط سیاستگذار) بپردازند. در برخی دیگر از کشورها مانند تایلند و هند نهادهای نوین یاد و یا بانکهای تجاری وارد عمل شدند تا بخشی از منابع خود را به جامعه روستایی اختصاص داده و ملزم به پرداخت سهمیه تعیین شده اعتباری برای واحدهای بهره‌برداری کوچک شوند. حتی در کشور هند بانکهای تجاری مجبور شدند که به نسبت شعبه‌هایی که در شهرها تاسیس شده در مناطق روستایی شعبه برپا کنند (Blain 1986: 230).

شکل شماره ۶:

تغییرات طبقه‌بندی تسهیلات اعطایی از نظر مبلغ



در کشور فیلیپین برنامه بانکهای تخصصی در دهه ۱۹۸۰ حذف شده و اکنون همه بانکها می‌توانند در بخش کشاورزی فعالیت کنند و تجهیز منابع پس‌انداز به‌جای تامین اعتبارات ارزی‌تیمت از طرف منابع دولتی برای اعطای وام، به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی موسسات اعتباری منظور شده است. در کشور اندونزی به‌دنبال ارزیابی کارآیی اعتبارات حمایت شده، از سالهای ۱۹۸۲ به بعد این اعتبارات کاهش داده شد و سپس از سال ۱۹۹۰ تقریباً اکثریت بانکها آن را حذف کردند.

تحقیقات نشان می‌دهد که در برخی از موارد بانکهای تجاری مقررات بانک مرکزی (حتی بدون تعیین

سقف بهره) در مورد ارائه وام به بخش کشاورزی را باری بردوش خود دیده‌اند که تا حد امکان می‌خواهند از آن پرهیز کنند. نتیجه فعالیت بانکهای تجاری و امکان توزیع اعتبارات بیشتر در بخش نشان می‌دهد که کشاورزانی که از بانکهای تجاری وام گرفته‌اند متعلق به ثروتمندترین قشر جامعه روستایی بوده‌اند (Haque 1988: 361) و در واقع فعالیت بانکهای تجاری در بخش کشاورزی تاثیری بر توزیع اعتبارات بر اساس هدفهای برنامه‌های توسعه نداشته است.

در کشور ما نیز با شروع برنامه اول توسعه، نرخ سود تسهیلات اعطایی از منابع رسمی افزایش یافته و بانکهای تجاری نیز در بخش کشاورزی فعالتر شده‌اند.

بدین ترتیب گرچه سیاستها تغییر کرده و دوران اعتبارات ارزاقیمت در بسیاری از کشورهای کم‌توسعه یافته به سر آمده ولی آیا مشکلات جامعه روستایی حل شده؟ نخستین ارزیابیها در سایر کشورها به این سوال پاسخ منفی می‌دهند (Anderson 1990, Ammar et al 1990)

زیرا رهیافت پولی و توزیع اعتبارات حلال همه مشکلات بخش کشاورزی در هیچ کشوری نبوده و نیست. کشاورزان بیش از آنکه به پول احتیاج داشته باشند به خدمت نیاز دارند. بنابراین برخلاف بسیاری از دیدگاههای نظری پرداخت وام به کشاورزان تامین یک نهاده نیست، بلکه ایجاد یک نیاز برای نهاده‌هاست. با تامین اعتبار مشکل کشاورزان چه فقیر و چه غنی حل نمی‌شود. بلکه نیازهای جدیدی به وجود می‌آید که سایر بخشها و سایر دستگاههای فعال در بخش کشاورزی باید بتوانند به این نیازها پاسخ دهند. بدین ترتیب رهیافت پولی چه در شرایط قبل از تعدیل ساختار اقتصادی و چه بعد از آن ره به جایی نبرده و باید طرحی نو برای ارائه خدمات به کشاورزان (رهیافت خدماتی) اندیشید.

اعتبارات ارزاقیمتی که هفتاد درصد کشاورزان از نرخ بهره آن آگاه نیستند وقتی می‌تواند کارساز باشد که گروههای اجتماعی فقیر با آگاهی کامل از آن برخوردار شوند، در حالی که اغنیا از نرخ آن آگاهند و از آن بهره وافر می‌برند، از حذف آن چه باك. گروههای غنی به رهیافتی خدماتی نیاز دارند نه رهیافت پولی و به‌طور یقین فقرا محتاج ترکیبی از این دو رهیافت هستند.

بنابراین اگر جای تعدیلی وجود دارد، در درجه اول در تغییر شکل توزیع اعتبارات ارزاقیمت به نفع گروههای اجتماعی فقیر است و سپس در تغییر نگرش نسبت به سیستم اعتباری است. نگرشهای سیاسی و سیاستهای جبرانی موجب ناکامی سیستم اعتباری در تحقق اهداف تعیین شده، گردیده است. پیش از حذف حمایت از بازار اعتبارات روستایی و افزایش نرخ بهره باید درصدد دخالت در بازار توزیع منابع تولید، هماهنگی برنامه‌های آموزشی و ترویجی با برنامه اعتبارات و حل معضل بازاریابی و قیمت‌گذاری که هیچک در اختیار سیستم اعتباری نیست، بود. وگرنه کاهش تقاضا از طریق افزایش نرخ بهره فقط شامل حال کسانی خواهد شد که بیش از همه، ایران اسلامی ادعای حمایت از آنها را می‌کند.

- Aleem, Irfan 1990
(Imperfect Information, selection, and the costs of Informal lending: A study of a Rural Credit Market in Pakistan).
the world bank Economic Review, Vol 4, NO 3, PP.329- 349.
- Ammar, Simawalla - Chirmsak, Pinthony - Nipon, Poapong sakarn
Ploenpit Stasanquan - Prayong Nettayarak - wanrak, Mingmaneenakin and
Yuavares Tubpun 1990
«The Thai Rural Credit System: Public Subsidies, Private Information
and Segmented Market».
The World Bank Economic Review, Vol.4 No3 PP. 371 - 395
- Anderson Julie, 1990
«Does Regulation Improve Small Farmer's, Access to Brazilian Rural
Credit».
Journal of Development Economics 33. PP. 67 - 87
- Amishay Braveman and J.Luis Guasch. 1986
«Rural Credit Market and Institution in Developing Countries: Lessons
For Policy Analysis from practice and Modern Theory».
World Development - Vol. 14 No. 10/11 PP. 1253 - 1267
- Blain. D. 1986
«The Push for Viable Institution»
CERES Vol. 19 No.1 PP. 23 - 26
- Gadgil M.V. 1986
«Agricultural Credit in India: A review of Performance and Practice».
Indian Journal of Agricultural Economics Vol. 4, No.3 July - Sept, PP. 282
- 309
- Harriss 1983
«Money and Commodities: Their interaction in a Rural Indian Setting».
John Hopkins University
- Haque.T and Sunita Verma. 1988
«Regional and Class Disparities in the flow of Agricultural Credit in
India».
Indian Journal of Agricultural Economics Vol.43, No.3. July Sept, PP.356
0 363
- Landman and Tinnermeir.1981
«The Political economy of Agricultural Credit: The case of Bolivia».
American Journal of Agricultural Economics. Vol. 63, No.1, PP.66 - 72

- Madhura Swaminathan. 1991

«Segmentation, Collateral underevaluation, and the rates of interest in agrarian credit markets: some evidence from two villages in South India».

Cambridge Journal of Economics 15. PP. 161 - 178

- Robert Jr.B.1979

«Agricultural credit cooperatives: Rural Development and agrarian policies in Madras, Indian Economic and Social History Review

Vol.16,No.2,PP.163 - 189

- Sahail J.Malik Mohammad Mushtag and Manzoor Ahmad Gill. 1989

«Differential Access and the Rural Credit Market in Pakistan: Some Recent Evidence».

The Pakistan Development Review 28:4 Part II (Winter) PP.709 - 716

- Zia Ahmed. 1989

«Effective costs of Rural Loans in Bangladesh»

World Development, Vol. 17,No.3, PP. 327 - 363 Printed in Great Britain.

فطوره چی، محمد ۱۳۵۹

«نگرشی بر بانک‌های تخصصی کشاورزی ایران». بانک کشاورزی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰

«خلاصه تحولات اقتصاد کشور».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۱) مفهوم « بهره » مترادف « سود تسهیلات اعطایی » و با تعریف زیر به کار برده شده است :

« مبلغی که در مقابل استفاده از سرمایه پرداخت می‌شود و میزان آن می‌تواند بر اساس سود حاصله از کاربرد سرمایه تعیین شود. »